

## عدم تعادل در وضعیت ازدواج در ایران

افشین جمفری مزدهی\*

### چکیده

تغییر ساختار سنی و جنسی جمعیت به عنوان یک عامل اولیه و مستقل - فارغ از تأثیرپذیری از عوامل گوناگون - منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج در جامعه می‌شود. بر اساس تحولات جمعیتی دهه‌های اخیر در ایران به‌ویژه در دهه ۶۵-۱۳۵۵ ساختار سنی-جنسی جمعیت به‌طور قابل توجهی تغییر کرده است. این تغییر ساختاری جمعیت در ایران، پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متعددی را به دنبال داشته که در مقاطع زمانی گوناگون، به شکل انواع مشکلات اقتصادی و اجتماعی خود را به جامعه تحمیل کرده است چنان‌که در حال حاضر درگیر معضل افزایش عرضه نیروی کار جویای کار و به تبع آن بیکاری هستیم. یکی دیگر از این پیامدها که در سال‌های آتی شاهد بروز آن خواهیم بود، ایجاد عدم تعادل در تعداد دختران و پسرای است که در سنین ازدواج قرار دارند. این عدم تعادل سبب وجود تعدادی از دختران مجرد می‌شود که ازدواج نخواهند کرد. هدف این مقاله فارغ از عوامل مؤثر بر پیدایش این وضعیت بررسی سابقه این پیامد در سه دهه ۱۳۶۵-۱۳۳۵ و نشان دادن ارتباط بین ساختار جنسی و سنی جمعیت و وضعیت ازدواج در ایران و نتایج کمی چنین پیامدی در دهه آینده می‌باشد.

### واژگان کلیدی

بیکاری، جمعیت، زناشویی، زنان، سن، مسائل اجتماعی، نسبت جنسی.

msjafari@yahoo.com

.. عضو هیأت علمی مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.

تاریخ دریافت مقاله: ۲۴ فروردین ماه ۱۳۸۲.

تاریخ پذیرش مقاله: ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۸۲.

مقدمه

ازدواج به‌عنوان یکی از وقایع مهم و حیاتی در زندگی افراد جامعه محسوب می‌شود و از جنبه‌های گوناگون اهمیت دارد. بدون شک ازدواج یکی از مراحل مهم در مسیر تکامل زندگی فردی و اجتماعی افراد است. بحث ازدواج و اهمیت آن در مسائل اقتصادی و دینی نیز جایگاه خاصی دارد و توصیه‌های اخلاقی فراوانی در خصوص لزوم اقدام به ازدواج در متون اسلامی دیده می‌شود. با وجود چنین ذهنیتی در مورد ازدواج ممکن است، واقعیات موجود در سطح جامعه به‌گونه‌ای باشد که وضعیت نابسامانی را در زمینه ازدواج افراد نشان دهد. این وضعیت می‌تواند به‌واسطه وجود عوامل متعددی ایجاد شود. وجود مشکلات اقتصادی، گسترش بیکاری در میان جوانان، وجود موانع فرهنگی مرتبط با ازدواج و برخی دیگر از مشکلات معیشتی و رفاهی در جامعه از جمله این عوامل است. نکته مهمی که در این خصوص کمتر مورد توجه قرار گرفته، تأثیر مستقیم ساختار جمعیتی کشور بر وضعیت ازدواج در جامعه است.

این ایده که تحولات جمعیتی در یک جامعه می‌تواند به‌طور مستقیم تأثیر تعیین‌کننده و مستقلی بر وضعیت اجتماعی - اقتصادی موجود در آن جامعه داشته باشد، از دیرباز در نظریه‌های جمعیت‌شناسی مطرح شده و به‌تدریج در ادبیات علم اقتصاد موضوعات متنوعی در زمینه ارتباط بین مطالعات جمعیت‌شناسی و مسائل اقتصادی گسترش یافته است که یکی از مهم‌ترین شاخه‌های آن به بررسی بازار کار و مهاجرت نیروی کار اختصاص دارد. در این زمینه مطالعاتی نیز در اقتصاد ایران انجام شده است. این مطالعات عمدتاً براساس پیش‌بینی‌های جمعیت‌شناسی، روند تغییرات متغیرهای اقتصادی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (نیلی و درگاهی، ۱۳۷۷).

در این مقاله سعی بر این است که ارتباط بین ساختار سنی - جنسی جمعیت و وضعیت ازدواج در ایران بررسی شود. ابتدا توضیحاتی در مورد پدیده اختلال در وضعیت ازدواج در ایران طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ ارائه می‌شود و سپس به این پرسش

پاسخ داده می‌شود که آیا این پدیده پیش از این نیز در ایران وجود داشته است؟ بررسی این پرسش و تحلیل آن در چارچوبی منطقی و علمی، محور اصلی این مقاله است.

## چارچوب نظری

عدم تعادل در وضعیت ازدواج عمدتاً در قالب مطالب مربوط به تنگنای ازدواج<sup>۱</sup> در ادبیات جمعیت‌شناسی ارائه شده است (ماه‌سام<sup>۲</sup>، ۱۹۷۴). این مطالب به عدم تعادل در تعداد زنان و مردان موجود در سنین ازدواج مربوط می‌شود. در یکی از این مطالعات به این نکته اشاره شده است که در یک کشور با جمعیت در حال افزایش اگر مردان با زنان جوان‌تر از خود ازدواج کنند، نوعی عدم تعادل در وضعیت ازدواج به وجود می‌آید (کوئن<sup>۳</sup>، ۱۹۸۳) که مطالعه حاضر نیز براساس این نظریه، وضعیت ازدواج در ایران را مورد بررسی قرار می‌دهد.

از سوی دیگر برخی مطالعات به بررسی ارتباط بین پدیده‌های جمعیتی و وضعیت ازدواج پرداخته‌اند. یکی از این مطالعات با بررسی جریان‌های مهاجرت روستا به شهر و خروج مردان جوان و مجرد از روستا، عدم تعادل در وضعیت ازدواج در روستاها را بررسی کرده است (ویجایندرا<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳).

یکی دیگر از مطالعات مرتبط با موضوع عدم تعادل در وضعیت ازدواج به پدیده ترجیح جنسیتی در خانواده‌ها برای داشتن فرزند پسر<sup>۵</sup> (نسبت به فرزند دختر) اشاره دارد (ادلند<sup>۶</sup>، ۱۹۹۹). در این مطالعه مطرح شده است که اگر خانواده‌های موجود در یک جامعه به داشتن فرزند پسر علاقه بیشتری داشته باشند و از طرفی امکان جلوگیری از

1. Marriage Squeeze
2. Muhsam
3. Schoen
4. Vijayendra
5. Son Preference
6. Edlund

به دنیا آمدن فرزندان<sup>۱</sup> نیز وجود داشته باشد، نسبت جنسی<sup>۲</sup> در آن جامعه بیش از حد معمول خواهد شد. به طوری که در سال‌های آتی که این افراد به سنین ازدواج برسند، در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج عدم تعادل به وجود خواهد آمد.

## روش پژوهش

برای تحقق اهداف این مقاله، از اطلاعات مربوط به سرشماری‌های کشور به‌ویژه از آمارهای سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ استفاده شده است.

### ۱. تحولات جمعیتی ایران

با نگاهی کلی به متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور طی چهار دهه اخیر مشاهده می‌شود که رشد جمعیت در ایران با تغییرات قابل توجهی همراه بوده است. جدول شماره ۱ متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت کشور را در مقاطع انجام سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵\* نشان می‌دهد.

جدول شماره ۱. متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت ایران طی سال‌های ۷۵-۱۳۳۵

دوره	متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت (درصد)
۱۳۳۵-۴۵	۳/۱
۱۳۴۵-۵۵	۲/۷
۱۳۵۵-۶۵	۳/۹
۱۳۶۵-۷۰	۲/۵
۱۳۷۰-۷۵	۱/۵

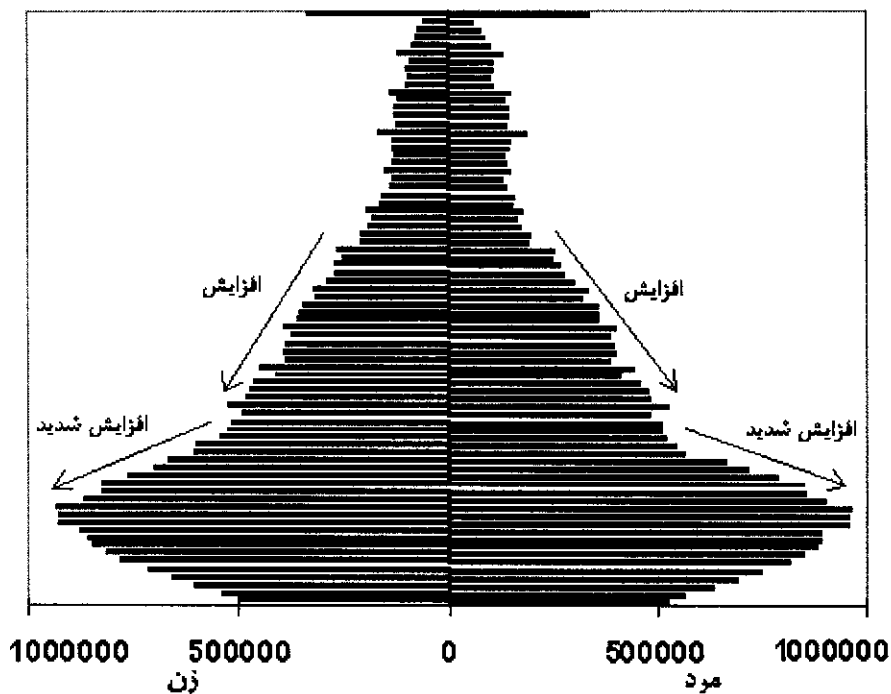
1. Abortion

2. Sex Ratio

\* آخرین سرشماری نفوس و مسکن در ایران مربوط به سال ۱۳۷۵ است.

مشاهده می‌شود که تحولات جمعیتی در ایران طی چند دهه گذشته از الگوی یکنواختی تبعیت نکرده و دارای فراز و نشیب قابل توجهی بوده است. با نمایش نمودار فراوانی جمعیت کشور به تفکیک سن و جنس (هرم سنی جمعیت)، می‌توان تحولات جمعیتی را به صورت نمودار هم مشاهده کرد. این تصویر در قالب شکل شماره ۱ براساس اطلاعات مربوط به سرشماری عمومی سال ۱۳۷۵ ارائه شده است.

شکل شماره ۱. هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۷۵



با بررسی و مقایسه متوسط نرخ رشد سالانه جمعیت در ایران و دیگر کشورهای جهان مشاهده می‌شود که ایران در دوره ۶۵-۱۳۵۵ یکی از بالاترین نرخ‌های رشد جمعیت را میان کشورهای جهان تجربه کرده است.

البته روند افزایش شدید جمعیت در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی یعنی از سال ۱۳۵۸ آغاز شده است. در این مقاله برای این که بتوانیم مقایسه سال‌ها و سن افراد را ساده‌تر انجام دهیم، آمار و اطلاعات جمعیتی را براساس دهه تفکیک کرده‌ایم. براساس هرم سنی جمعیت ایران در سال ۱۳۷۵، که در مقاطعی رشد جمعیت با سرعت زیاد افزایش یافته است به طوری که قاعده هرم سنی جمعیت طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ به‌طور قابل‌توجهی بزرگ شده است و پس از آن طی دهه ۷۵-۱۳۶۵، رشد جمعیت با سرعت نسبتاً زیادی کاهش یافته، به طوری که قاعده هرم جمعیتی شکسته شده و به سمت کوچک شدن پیش رفته است.

نرخ رشد بالای جمعیت در ایران طی دهه ۶۵-۱۳۵۵ منجر به افزایش قابل‌توجه جمعیت این دوره شده است. به طوری که جمعیت ۳۴ میلیون نفری ایران در سال ۱۳۵۵ برای سال ۱۳۶۵ به بیش از ۴۹ میلیون نفر افزایش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶). این افزایش جمعیت، به شکل‌ها گوناگون، نظام اقتصادی - اجتماعی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. افزایش جمعیتی ایران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ که عمدتاً از افزایش مولید ناشی شده است، در سال‌های اولیه، تأثیر خود را به‌صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش بهداشت و درمان نشان داد. این فشار هزینه‌ای به‌صورت افزایش هزینه‌های مربوط به خدمات پزشکی، بهداشتی و تغذیه نوزادان و کودکان بود. به همین دلیل اولین نهادی که به طور جدی بحران افزایش جمعیت و لزوم کنترل آن را مطرح کرد، وزارت بهداشت و درمان بود.

پس از آن‌که این انبوه جمعیت، سال‌های خردسالی را طی کرد و به سنین ورود به مدرسه رسید، فشار هزینه‌های خود را به‌صورت افزایش هزینه‌های تحمیل شده به بخش آموزش و پرورش نشان داد. به طوری که در مقاطعی از زمان مهم‌ترین معضلی که ذهنیت کل جامعه را به خود مشغول کرده بود، کمبود فضای آموزشی موجود در کشور بود. با حرکت سنی این انبوه جمعیتی و بالا رفتن سن آنها، بحران کمبود امکانات آموزشی به تدریج به مقاطع بعدی تحصیلی منتقل شد.

پس از آن که - در همین مقطع زمانی که هستیم - این فشار هزینه‌ای به صورت افزایش جوانان بیکار جویای کار به نظام اقتصادی - اجتماعی کشور وارد شده است. به طوری که هم اکنون مشکل بیکاری مهم‌ترین دلمشغولی دولت و به نوعی کل جامعه است. از سوی دیگر فشار ناشی از این تحول جمعیتی (در کنار برخی عوامل دیگر) به صورت افزایش تقاضا برای تحصیل در دانشگاه‌ها و تقاضای آموزش عالی نیز بروز یافته است (طاهری پور و انجم‌شعاع، ۱۳۷۲).

## ۲. تغییر ساختار سنی - جنسی و عدم تعادل در وضعیت ازدواج

جمعیت ایران در دهه ۶۵-۱۳۵۵ با نرخ رشد سالانه بسیار بالایی افزایش یافته است (شکل شماره ۱). بدیهی است که جمعیت ایجاد شده در این دهه، در سرشماری سال ۱۳۷۵ به عنوان افراد ۱۰ تا ۲۰ ساله شمارش شده‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که دختران و پسرانی که مربوط به این رده‌های سنی هستند، برای ازدواج چه وضعیتی خواهند داشت؟ به عبارت دیگر هنگامی که دختران و پسران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ به سن ازدواج برسند، وضعیت ازدواج آنان چگونه خواهد بود؟ باید توجه داشت که اگر از مرگ و میر و مهاجرت\* افراد ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ صرف نظر کنیم، همان تعداد دختران و پسرانی که در سال ۱۳۷۵ در گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله سرشماری شده‌اند، در حال حاضر (سال ۱۳۸۱) در سنین بین ۱۶ تا ۲۶ سال هستند. از آن جایی که براساس اطلاعات سرشماری سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج برای زنان برابر با ۲۲/۴ سال و برای مردان ۲۵/۶ سال برآورد شده است، مشاهده می‌شود که قسمتی از افراد گروه سنی ۱۰ تا ۲۰ ساله در سرشماری سال ۱۳۷۵ وارد سن ازدواج شده‌اند و بقیه نیز طی سال‌های آتی به تدریج به سن ازدواج می‌رسند. با توجه به میانگین سن ازدواج زنان در ایران، انتظار می‌رود که دختران این رده‌های سنی، بین سال‌های ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۹ به سنین ازدواج وارد شوند.

\* منظور از مهاجرت، ورود و خروج افراد از ایران است. در واقع از تعداد این نوع مهاجرت‌ها در این سنین صرف نظر شده است.

اطلاعات موجود نشان می‌دهد در هر مقطع تعداد دخترانی که به سن ازدواج رسیده‌اند بیش از تعداد پسرانی است که در سنین ازدواج قرار دارند و این عدم تعادل در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج در تمامی این گروه‌های سنی دیده می‌شود. عدم تعادل را می‌توان به وضوح در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج مشاهده کرد. جدول شماره ۲ تعداد دختران و پسران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ را براساس نتایج سرشماری نشان می‌دهد.

جدول شماره ۲. تعداد زنان و مردان ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵

مردان	زنان	سن
۵۴۲۸۱۶	۵۹۶۸۳۲	۲۰
۵۶۳۲۳۸	۶۰۰۳۶۹	۱۹
۶۶۱۹۵۹	۶۶۰۸۴۹	۱۸
۷۱۷۲۱۱	۶۹۸۲۲۷	۱۷
۷۸۶۷۱۲	۷۵۹۲۲۹	۱۶
۸۵۰۷۰۵	۸۱۶۹۹۷	۱۵
۸۵۳۷۵۵	۸۲۱۷۸۹	۱۴
۸۹۷۶۱۵	۸۶۴۷۳۴	۱۳
۹۶۱۰۰۱	۹۲۵۱۳۲	۱۲
۹۵۵۶۷۷	۹۲۲۳۸۲	۱۱
۹۵۴۴۲۵	۹۲۴۱۶۶	۱۰

به منظور بررسی این عدم تعادل در تعداد دختران و پسرانی که در سنین ازدواج قرار دارند از شاخص کمکی نسبت جنسی ازدواج<sup>۱</sup> استفاده می‌کنیم.

$$MSR_n = \frac{M_x}{F_{x-n}} \times 100$$



در این شاخص  $M$ ، تعداد مردان  $x$  ساله و  $F$ ، تعداد زنان  $x-n$  ساله است. متغیر  $n$  نشان‌دهنده متوسط اختلاف سن مردان و زنان در هنگام ازدواج\* است. برای به دست آوردن برآوردی از این متغیر، ابتدا متوسط سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان به‌طور جداگانه محاسبه می‌شود\*\* و سپس اختلاف بین آنها متوسط اختلاف سن زن و شوهر در هنگام ازدواج را مشخص می‌کند. جدول شماره ۳ اطلاعات مربوط به متوسط سن در اولین ازدواج برای مردان و زنان و همچنین متوسط اختلاف سن ازدواج طی چند دهه گذشته را در ایران نشان می‌دهد (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵).

جدول شماره ۳. متوسط سن و متوسط اختلاف سن ازدواج مردان و زنان در ایران

سال	میانگین سن در اولین ازدواج برای مردان	میانگین سن در اولین ازدواج برای زنان	متوسط اختلاف سن ازدواج زن و شوهر
آبان ۱۳۵۵	۲۴/۱	۱۹/۷	۴/۴
مهر ۱۳۶۵	۲۳/۶	۱۹/۸	۳/۸
آبان ۱۳۷۵	۲۵/۶	۲۲/۴	۳/۲

در این جدول متوسط اختلاف سن ازدواج زن و شوهر بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۵ از ۴/۴ سال به ۳/۸ و پس از آن به ۳/۲ سال کاهش یافته است. عوامل زیادی در تعیین این متغیر و روند تغییرات زمانی آن نقش دارند که مطالعه و بررسی آن در چارچوب این مقاله نیست. اما به منظور ارائه برآوردی عددی از متغیر مربوط به متوسط اختلاف سن ازدواج زن و شوهر، دو حالت ۳ سال و ۴ سال را در نظر می‌گیریم و شاخص نسبت جنسی ازدواج را براساس آنها محاسبه می‌کنیم.\*\*\*

\* در آمارگیری‌ها، اطلاعات سنی افراد در اولین ازدواج در نظر گرفته می‌شود.

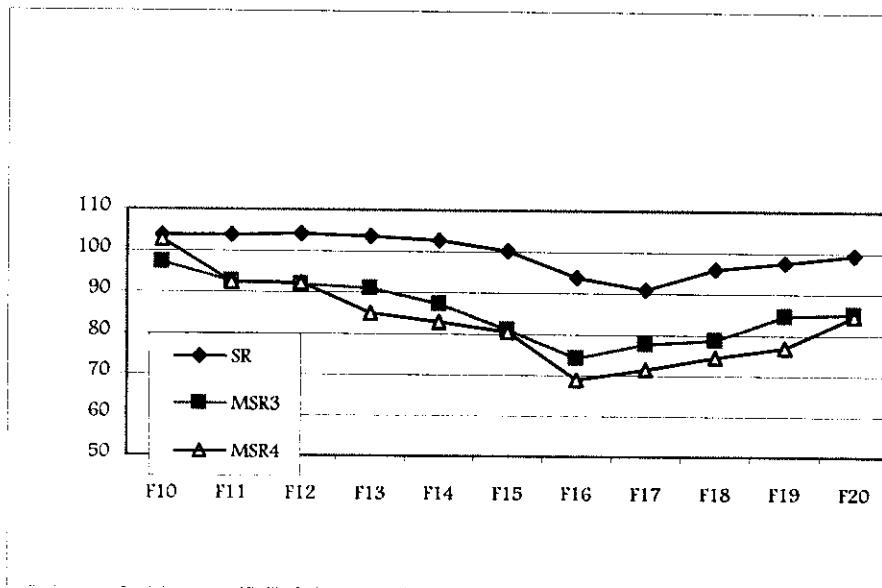
\*\* محاسبه میانگین سن در اولین ازدواج به روش هاینال (Hainal) انجام می‌شود.

\*\*\* شاخص دیگری که در جمعیت‌شناسی شناخته شده است، شاخص نسبت جنسی است که به صورت نسبت

تعداد مردان  $X$  ساله به تعداد زنان  $X$  ساله ضرب در ۱۰۰ تعریف می‌شود.

با فرض این که متوسط اختلاف سن ازدواج مردان و زنان در هنگام ازدواج برابر با سه سال (و ثابت) باشد، براساس اطلاعات موجود در جدول شماره ۲ شاخص نسبت جنسی ازدواج به صورت نسبت تعداد پسران هر رده سنی به تعداد دخترانی که در سه رده سنی پایین تر قرار دارند  $MSR_3$  محاسبه می شود. این شاخص در قالب نمودار شماره ۱ رسم شده است. دیگر شاخص هایی که در این نمودار رسم شده اند، شاخص نسبت جنسی (SR) و شاخص نسبت جنسی ازدواج در حالت دوم (متوسط اختلاف سن ازدواج زن و شوهر در هنگام ازدواج برابر با چهار سال و ثابت) است. ( $MSR_4$ )

نمودار شماره ۱. شاخص های نسبت جنسی و نسبت جنسی ازدواج دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵



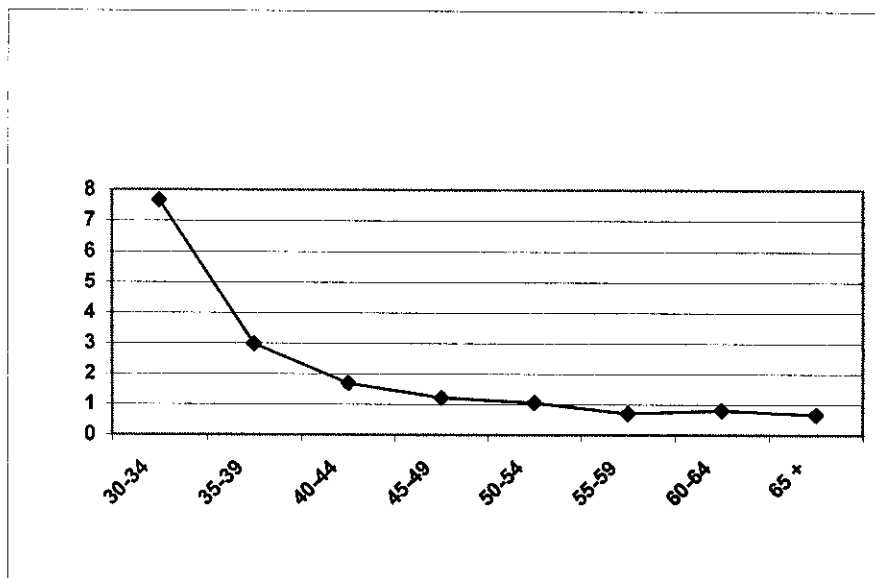
مشاهده می‌شود که نسبت جنسی ازدواج در هر دو حالت پایین‌تر از ۱۰۰ است و حتی در مقطعی به کمتر از ۷۰ می‌رسد. این شاخص به وضوح کمتر بودن تعداد پسران موجود در سنین ازدواج نسبت به تعداد دخترانی که در سنین ازدواج هستند را نشان می‌دهد. از طرفی با مقایسه دو شاخص تعریف شده برای نسبت جنسی ازدواج مشاهده می‌شود که در حالتی که متوسط اختلاف سن ازدواج زن و شوهر بیشتر است، عدم تعادل ایجاد شده در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج نیز بیشتر خواهد شد. بنابراین اگر تمامی پسرانی که به سنین ازدواج می‌رسند، اقدام به ازدواج کنند، تعدادی از دختران، به صورت مازاد، مجرد باقی می‌مانند.

بدین ترتیب مشاهده می‌شود که تغییر ساختار سنی - جنسی ناشی از افزایش جمعیت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ و وجود اختلاف سن ازدواج بین مردان و زنان، منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج می‌شود. به طوری که بین سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ که دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ به سنین ازدواج می‌رسند، به دلیل عدم تعادل در تعداد آنها، مازادی از دختران مجرد ایجاد خواهد شد که شانس برای ازدواج ندارند. اگر محاسبات انجام شده به منظور ارائه برآوردی از تعداد این دسته از دختران با اعمال این فرض انجام شده باشد که تمامی پسران موجود در سنین ازدواج، اقدام به ازدواج کنند، برآوردی دست پایین<sup>۱</sup> از تعداد دختران مجرد بدون شانس ازدواج ارائه می‌شود. طبعاً به ازای هر پسر که به هر دلیلی اقدام به ازدواج نکند، یک دختر به مازاد دختران مجرد و بدون شانس ازدواج افزوده خواهد شد. این فرض در شرایط کنونی جامعه ایران که مشکلات اقتصادی (از جمله بیکاری) سهم قابل توجهی را در عدم اقدام به ازدواج توسط جوانان (پسران) دارد، نمی‌تواند معتبر باشد.

حال به منظور حذف این فرض، ابتدا وضعیت تأهل مردان در رده‌های گوناگون سنی در نظر گرفته می‌شود. این بررسی به برآورد درصد مردان هرگز ازدواج نکرده به کل مردان موجود در هر یک از رده‌های سنی مربوط می‌شود.

1. Underestimation

نمودار شماره ۲. درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در کل مردان در سال ۱۳۷۵



نمودار شماره ۲ درصد مردان هرگز ازدواج نکرده را در کل مردان در هر یک از رده‌های سنی بالای ۳۰ سال براساس سرشماری سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد. نکته حائز اهمیت در میان انتخاب رده‌های سنی مورد نظر بر اعمال درصد مجرد در مردان است. به این ترتیب که اگر رده‌های سنی میانی (بین ۳۰ تا ۵۰ سال) در نظر گرفته شود، درصد مجرد مردان در حدود ۳/۵ درصد خواهد بود؛ در صورتی که مردان موجود در این رده‌های سنی هنوز در وضعیت ازدواج قرار دارند. بنابراین برای برآورد درصد مجرد مردان، رده‌های سنی بالای ۵۰ سال در نظر گرفته می‌شود. با محاسبه و میانگین‌گیری از درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در کل مردان موجود در رده‌های سنی بالای ۵۰ سال مشخص می‌شود که در حدود یک درصد از مردان در کل دوره زندگی خود هرگز ازدواج نمی‌کنند.

با اعمال این درصد بر پسران موجود در سنین ازدواج می‌توان برآوردهای دقیق‌تری ارائه داد. البته یک فرض دیگر در این قسمت اعمال می‌شود که مبتنی بر ثابت بودن درصد مردان هرگز ازدواج نکرده در کل مردان است. این فرض می‌تواند مورد نقد قرار گیرد زیرا برآورد انجام شده برای بررسی درصد مجرد مردان مربوط رده‌های سنی بالای ۵۰ سال (سرشماری شده در سال ۱۳۷۵) است و طبعاً این پرسش قابل طرح است که آیا الگوی مجرد در مردان برای دوره‌های زمانی بعد نیز ثابت (یکسان) خواهد بود یا خیر؟

جدول شماره ۴ نتایج برآورد تعداد دختران مجرد و بدون شانس ازدواج با در نظر گرفتن درصد مجرد مردان را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴. دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ که طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ ازدواج نخواهند کرد

درصد	تعداد	دخترانی که ازدواج نخواهند کرد
		متوسط اختلاف سن ازدواج
۱۴/۶	۱۲۵۴۳۸۵	سه سال
۱۹/۳	۱۶۶۰۶۶۱	چهار سال

مشاهده می‌شود که تعداد دختران مجرد و بدون شانس ازدواج طی سال‌های ۸۹-۱۳۷۹، حتی درحالتی که فرض نه‌چندان معقول ازدواج تمامی پسران را نیز اعمال کنیم، بازهم قابل توجه است. اگر تعداد این دسته از دختران به‌صورت درصدی از کل دختران موجود در این دوره سنی در نظر گرفته شود، مشاهده می‌شود که حالت اول (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر سه سال) ۱۴/۶ درصد و در حالت دوم (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر چهار سال) ۱۹/۳ درصد از دختران این دوره سنی شانس ازدواج ندارند.

## آیا عدم تعادل در وضعیت ازدواج پیش از این نیز در ایران وجود داشته است؟

مسئله بااهمیتی که درباره بررسی پدیده اختلال در وضعیت ازدواج وجود دارد این است که آیا این پدیده در مقاطع زمانی قبل هم در ایران وجود داشته است؟ به عبارتی این پرسش مطرح می‌شود که سابقه وجود این پدیده در کشور چگونه است؟ دلیل منطقی مطرح شدن این بحث آن است که جمعیت ایران در دو دهه ۴۵-۱۳۳۵ و ۵۵-۱۳۴۵ به ترتیب با نرخ رشدهای سالیانه ۳/۱ و ۲/۷ درصد افزایش یافته است. با وجود آن که نرخ رشد جمعیت در این دو دهه به طور نسبی کمتر از نرخ رشد ۳/۹ درصدی در دهه ۶۵-۱۳۵۵ است، اما به طور مطلق نرخ رشد قابل توجهی محسوب می‌شود. حال اگر افزایش جمعیت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج در جامعه شود، طبیعاً می‌بایست افزایش جمعیت در دو دهه ۴۵-۱۳۳۵ و ۵۵-۱۳۴۵ هم باعث اختلال در وضعیت ازدواج گردد.

بنابراین این پرسش مطرح می‌شود که چگونه می‌توان به صورت آماری پدیده عدم تعادل در تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج و اختلال ناشی از آن در وضعیت ازدواج افرادی که در دو دهه ۴۵-۱۳۳۵ و ۵۵-۱۳۴۵ به جمعیت کشور افزوده شده‌اند را بررسی کرد؟

برای این منظور به بررسی وضعیت تأهل زنان و مردان در گروه‌های سنی مورد نظر می‌پردازیم. آمار و اطلاعات مربوط به این گروه‌های سنی را به تفکیک سن و جنس از سرشماری سال ۱۳۷۵ استخراج می‌کنیم با این فرض که از مرگ و میر بین گروه‌های سنی صرف نظر کنیم. یعنی به عنوان نمونه تعداد زنان و مردان ۴۵ ساله در سال ۱۳۷۵، همان زنان و مردان ۳۵ ساله در سال ۱۳۶۵ بوده و به همین صورت تعداد زنان و مردان ۲۵ ساله در سال ۱۳۵۵ را نیز همین تعداد تشکیل می‌دهد. با این توضیح وضعیت تأهل این گروه‌های سنی و جنسی را در سه گروه هرگز ازدواج نکرده، بدون همسر بر اثر فوت و بدون همسر بر اثر طلاق بررسی می‌کنیم.

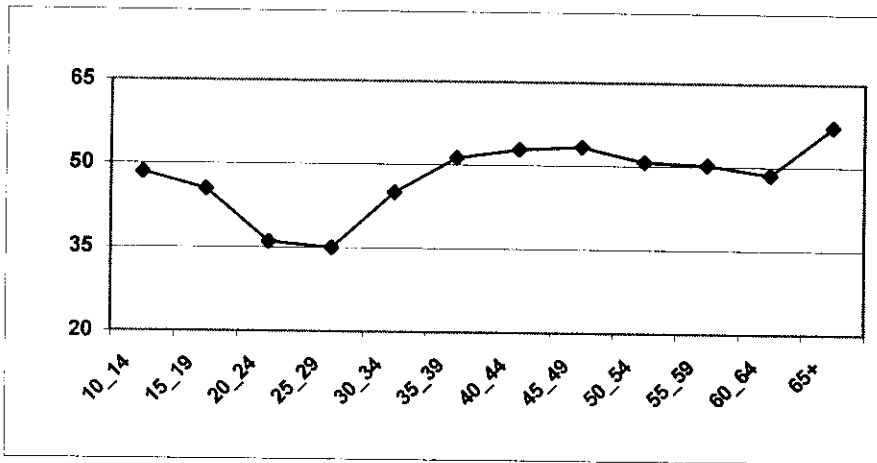
از آن جایی که اطلاعات مربوط به بررسی وضعیت تأهلی افراد در سرشماری ۱۳۷۵ به صورت طبقه‌بندی سنی مردان و زنان در گروه‌های پنج ساله است، جدول شماره ۵ تعداد مردان و زنان موجود در هر طبقه سنی را در سال ۱۳۷۵ نشان می‌دهد.

جدول شماره ۵. جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر برحسب جنس، گروه‌های سنی و وضع زناشویی

گروه‌های سنی	مرد (هزار نفر)					زن (هزار نفر)				
	کل	همسربرایگزین نکرده	همسربرایگزین طلاق	همسربرایگزین فوت	همسربرایگزین طلاق	دارای همسر	همسربرایگزین فوت	همسربرایگزین طلاق	همسربرایگزین نکرده	کل
۱۰-۱۴	۱۷	۲	۲	۲	۲	۴۹	۳	۲	۳۰۹	۳۴۳
۱۵-۱۹	۸۶	۲	۲	۲	۲	۶۱۵	۴	۴	۷۸۸	۳۵۲
۲۰-۲۴	۶۸۹	۳	۳	۳	۳	۱۵۷۳	۷	۱۰	۱۰۴۰	۲۶۴۶
۲۵-۲۹	۱۷۰۲	۴	۷	۷	۷	۳۳۵۹	۱۱	۱۵	۳۴۳	۶۳۸۳
۳۰-۳۴	۱۸۳۹	۴	۸	۸	۸	۱۷۸۷	۳۰	۵۱	۱۲۶	۲۶۶۱
۳۵-۳۹	۱۷۴۴	۶	۸	۸	۸	۱۶۲۵	۵۱	۳۴	۵۷	۳۷۴۹
۴۰-۴۴	۱۳۸۹	۷	۶	۶	۶	۱۲۶۶	۱۷	۱۲	۲۶	۳۳۷۷
۴۵-۴۹	۹۶۲	۸	۳	۳	۳	۹۱۰	۸۵	۹	۴۱	۱۰۲۰
۵۰-۵۴	۷۴۴	۱۰	۳	۳	۳	۶۴۱	۱۰۱	۷	۸	۷۵۸
۵۵-۵۹	۶۹۱	۱۵	۳	۳	۳	۵۰۸	۱۲۷	۶	۵	۷۳۸
۶۰-۶۴	۴۷۸	۲۷	۳	۳	۳	۴۲۹	۱۸۴	۶	۵	۶۲۷
۶۵+	۱۲۱۴	۱۷۷	۷	۷	۷	۳۱۳	۶۶۰	۱۱	۱۲	۱۲۱۰
مجموع	۱۱۷۹۰	۲۳۲	۵۶	۵۶	۵۶	۱۱۹۶۶	۱۳۰۰	۱۱۱	۸۸۱۵	۲۲۲۹۷

اطلاعات موجود نکاتی درخصوص پدیده اختلال در وضعیت ازدواج در جامعه را دربردارد.

نمودار شماره ۳. درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در کل افراد هرگز ازدواج نکرده در سال ۱۳۷۵



نمودار شماره ۳ نشان می‌دهد زنان چند درصد از کل افراد هرگز ازدواج نکرده را تشکیل می‌دهند. این اطلاعات برای تمام گروه‌های سنی بالای ۱۰ سال رسم شده است. مشاهده می‌شود که در دو گروه سنی پایین (بین ۱۰ تا ۲۰ سال) درصد زنان و مردان هرگز ازدواج نکرده تقریباً برابر ۵۰ درصد است. این امر بدین دلیل است که هنوز دختران و پسران موجود در این دو گروه سنی به سن ازدواج نرسیده‌اند.

از طرفی مشاهده می‌شود که برای دو گروه سنی ۲۴-۲۰ و ۲۹-۲۵ درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در کل افراد ازدواج نکرده کاهش می‌یابد که این امر نیز به دلیل پایین‌تر بودن میانگین سن ازدواج دختران نسبت به پسران است.

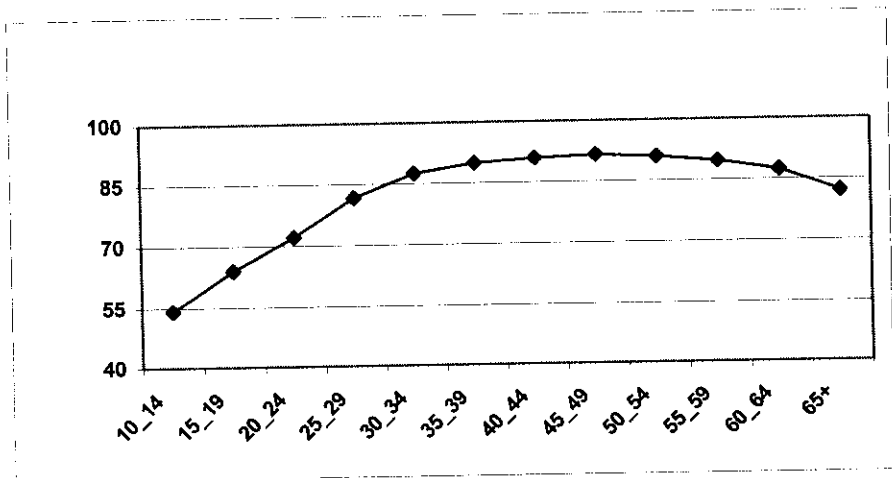
اما مسأله مهم بررسی وضعیت تأهل افرادی است که در گروه‌های سنی بعدی (بالای ۳۰ سال) قرار دارند. گروه‌های سنی بالای ۳۰ سال (در سرشماری سال ۱۳۷۵) مربوط به افرادی می‌شود که طی دو دهه ۴۵-۱۳۳۵ و ۵۵-۱۳۴۵ به جمعیت کشور افزوده شده‌اند. بنابراین بررسی وضعیت مجرد در این گروه‌های سنی می‌تواند سابقه بروز اختلال در وضعیت ازدواج را مشخص کند. براساس نمودار شماره ۳ مشاهده



می‌شود که درصد زنان هرگز ازدواج نکرده در گروه‌های سنی بالای ۳۰ سال در کل افراد هرگز ازدواج نکرده در حدود ۵۰ درصد است. به عبارت دیگر براساس این نمودار اختلال در وضعیت ازدواج افراد در این گروه‌های سنی دیده نمی‌شود. بنابراین پرسشی که مطرح می‌شود این است که چرا پدیده اختلال در وضعیت ازدواج به صورت ایجاد گروهی از دختران هرگز ازدواج نکرده، به‌طور (۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵) تاریخی در جامعه بروز نکرده است؟ و این درحالی است که طی دودهه موردنظر نرخ رشد جمعیت در سطح نسبتاً بالایی بوده و از طرفی در هنگام ازدواج بین سن مرد و زن اختلاف نیز وجود داشته است.

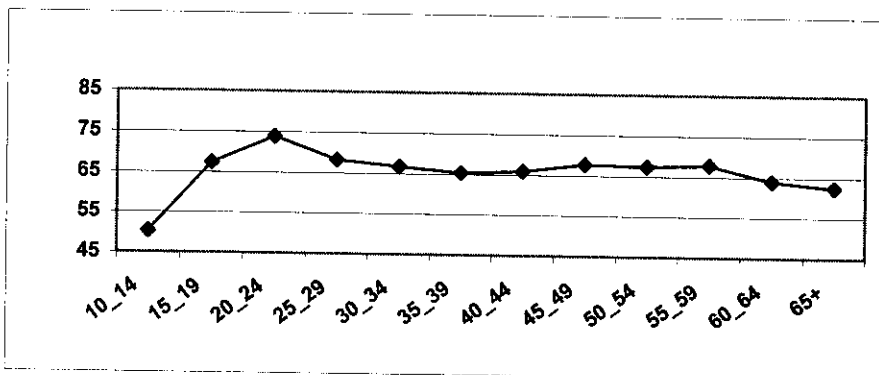
برای بررسی این موضوع ابتدا وضعیت تأهل افراد مربوط به گروه‌های سنی بالای ۳۰ سال (در سال ۱۳۷۵) را در دو وضعیت بی‌همسر بر اثر فوت همسر و طلاق بررسی می‌کنیم. نمودار شماره ۴ درصد زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر را در کل افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد و نمودار شماره ۵ درصد زنان بی‌همسر بر اثر طلاق را در کل افراد بی‌همسر بر اثر طلاق نشان می‌دهد.

نمودار شماره ۴. درصد زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر در کل افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر در سال ۱۳۷۵



براساس اطلاعات این نمودار در تمامی گروه‌های سنی درصد زنان بی‌همسر برابر فوت همسر بیش از مردان بی‌همسر بر اثر فوت همسر است. مشاهده می‌شود که این رقم در گروه‌های سنی بین ۳۰ تا ۶۰ ساله (در سال ۱۳۷۵) به بیش از ۸۵ درصد نیز می‌رسد. به عبارت دیگر عمده افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر را زنان تشکیل داده‌اند.

نمودار شماره ۵. درصد زنان بی‌همسر بر اثر طلاق در کل افراد بی‌همسر بر اثر طلاق در سال ۱۳۷۵



با مشاهده نمودار شماره ۵ می‌توان دریافت که درصد زنان بی‌همسر بر اثر طلاق نیز بیش از مردان بی‌همسر بر اثر طلاق است. این درصد برای گروه‌های سنی بین ۳۰ تا ۶۰ سال (در سال ۱۳۷۵) به بیش از ۶۵ درصد می‌رسد. به عبارت دیگر براساس این نمودار عمده افراد بی‌همسر بر اثر طلاق را زنان تشکیل داده‌اند. حال این پرسش مطرح می‌شود که چرا وضعیت تأهل افراد جامعه چنین است؟ به طور کامل‌تر چرا در گروه‌های سنی بین ۳۰ تا ۶۰ سال (در سال ۱۳۷۵) اکثر افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق را زنان تشکیل داده‌اند؟ پاسخ به این پرسش کلید درک روند تاریخی ایجاد اختلال در وضعیت ازدواج در کشور است.

در این جا می‌توان این گزاره را مطرح کرد که در میان افرادی که همسر خود را چه به دلیل فوت همسر و چه بر اثر طلاق از دست می‌دهند، مردان نسبت به زنان

شانس بیشتری برای ازدواج مجدد دارند. در واقع مردان بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق، بیش از زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق ازدواج می‌کنند. این گزاره در این جهت نیز موضوعیت می‌یابد که براساس این امکان که شرایط ازدواج مجدد برای مردانی که همسر خود را بر اثر فوت همسر یا طلاق از دست می‌دهند، با گروه دیگری از زنان فراهم می‌شود که این گروه جزو زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق نیستند، بلکه این گروه دختران هرگز ازدواج نکرده هستند که تا حدودی از سنین ازدواج هم خارج شده‌اند.

به عبارت دیگر شرایطی که در ساختار جمعیتی کشور به دلیل وجود نرخ رشد جمعیت وجود دارد باعث می‌شود مردانی که در سنین میانی همسران خود را بر اثر فوت همسر یا طلاق از دست می‌دهند، شانس بیشتری برای انجام ازدواج مجدد با یک دختر هرگز ازدواج نکرده را داشته باشند. نکته حائز اهمیت در وجود امکان بیشتر برای ازدواج مجدد مردان نسبت به زنان، علاوه بر مسائل فرهنگی و موانع اجتماعی که بر سر راه ازدواج مجدد زنان وجود دارد، به علت ساختار سنی - جنسی کشور نیز هست. بنابراین می‌توان به طور خلاصه وضعیت اختلال در وضعیت ازدواج جامعه را در چند دهه گذشته بدین صورت بیان کرد که وجود نرخ رشد جمعیت طی دهه‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ منجر شده است که در قدم اول مازادی از دخترانی که شانس ازدواج ندارند، ایجاد شود. این مازاد به دلیل وجود همان سازوکار اختلاف تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج ایجاد می‌شود. اما به دلیل وجود مردانی که بر اثر فوت همسر یا طلاق، بی‌همسر هستند، عده‌ای از این مازاد دختران با این دسته از مردان ازدواج کرده‌اند. به طوری که از فشار مازاد دختران ایجاد شده کاسته شده است. از طرفی این فشار به طور مشخص در تعداد زنان بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق دیده می‌شود زیرا اکثر افراد بی‌همسر بر اثر فوت همسر یا طلاق را تشکیل می‌دهند.

این مسأله را می‌توان با در نظر گرفتن خصوصیات رفتاری حاکم بر فرهنگ ازدواج در ایران توجیه کرد. در ایران مردان بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق) امکان بیشتری برای همسرگزینی مجدد دارند. از طرفی به دلیل وجود نرخ رشد

جمعیت، امکان انتخاب همسر جوان‌تر برای مردان بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق) ایجاد می‌شود. بنابراین وجود این امکان که مردان می‌توانند با زنان چند گروه سنی پایین‌تر ازدواج کنند، شانس ازدواج زنانی که در گروه‌های سنی بالاتر قرار دارند را کاهش می‌دهد. این پدیده باعث می‌شود که عدم وجود شانس ازدواج از گروه‌های سنی جوان‌تر به گروه‌های سنی مسن‌تر منتقل گردد.

نکته اساسی این است که در شرایطی که نرخ رشد جمعیت در سطح بسیار بالایی قرار داشته باشد (این پدیده در دهه‌های ۶۵-۱۳۵۵ در ایران دیده شده است) و اختلاف سن ازدواج هم موجود باشد، ازدواج مجدد مردان بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق) از لحاظ تعداد در سطحی قرار نخواهد داشت که بتواند عدم شانس ازدواج را به زنانی که در گروه‌های سنی بالا قرار دارند منتقل کند. در واقع شرایطی به وجود می‌آید که انبوهی از زنان مجردی که شانس ازدواج ندارند، در جامعه ایجاد شود. انتظار می‌رود جامعه ایران بین سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ شاهد وقوع این پدیده باشد.

## نتیجه‌گیری

تغییر ساختار سنی - جنسی ناشی از افزایش جمعیت در دهه‌های ۶۵-۱۳۵۵ و وجود اختلاف سن ازدواج بین مردان و زنان، منجر به بروز اختلال در وضعیت ازدواج در ایران می‌شود. به طوری که بین سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ که دختران ۱۰ تا ۲۰ ساله در سال ۱۳۷۵ به سنین ازدواج می‌رسند، به دلیل عدم تعادل در تعداد دختران و پسران، مازادی از دختران مجرد ایجاد خواهد شد که شانس برای ازدواج ندارند. اگر تعداد این دسته از دختران به صورت درصدی از کل دختران موجود در این دوره سنی در نظر گرفته شود، مشاهده می‌شود در حالت اول (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر سه سال) ۱۴/۶ درصد و در حالت دوم (متوسط اختلاف سن ازدواج برابر چهار سال) ۱۹/۳ درصد از دختران این دوره سنی، ازدواج نخواهند کرد.

آن چه در خصوص بررسی پدیده اختلال در وضعیت ازدواج وجود دارد این است که آیا این پدیده در مقاطع زمانی قبل هم در جامعه ایران وجود داشته است؟ به منظور پاسخ به این پرسش با بررسی وضعیت تأهل جمعیت به تفکیک سن و جنس مشاهده می‌شود که درصد زنان بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق) نسبت به مردان بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق)، به مراتب بیشتر است. بنابراین گزاره‌ای بدین صورت مطرح می‌گردد که طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵، شرایط ازدواج مجدد برای مردانی که همسر خود را بر اثر فوت یا طلاق از دست می‌دهند، با دختران هرگز ازدواج نکرده فراهم بوده است. در واقع نکته قابل توجه در وجود امکان بیشتر برای ازدواج مجدد مردان نسبت به زنان، علاوه بر ساختار سنی - جنسی جمعیت مسائل فرهنگی و موانع اجتماعی است که بر سر راه ازدواج مجدد زنان وجود دارد.

به طور خلاصه وضعیت اختلال در وضعیت ازدواج جامعه را در چند دهه گذشته بدین صورت می‌توان بیان کرد که وجود نرخ رشد جمعیت طی دهه‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۵ در قدم اول به دلیل وجود پدیده اختلاف تعداد دختران و پسران موجود در سنین ازدواج منجر به ایجاد مازادی از دختران ازدواج نکرده شده است. اما به دلیل وجود مردانی که بی‌همسر (بر اثر طلاق یا فوت همسر) می‌شدند، عده‌ای از این مازاد دختران با این دسته از مردان ازدواج کرده و از تعداد دختران مجرد کاسته شده است. اما نرخ رشد بسیار بالای جمعیت در دهه ۶۵-۱۳۵۵ وضعیتی را در ساختار سنی - جنسی جمعیت در ایران پیش آورده است که بین سال‌های ۸۹-۱۳۷۹ انبوهی از دختران مجرد در جامعه حضور خواهند داشت که شانسی برای ازدواج ندارند. طبعاً پدیده ازدواج مجدد مردانی که بی‌همسر (بر اثر فوت همسر یا طلاق) هستند مانند گذشته وجود خواهد داشت و ازدواج این دسته از مردان با دختران هرگز ازدواج نکرده، از میزان دختران مجرد بدون شانس ازدواج را می‌کاهد اما به دلیل نرخ رشد بسیار زیاد جمعیت نسبت به دهه‌های پیش از آن تعداد این ازدواج‌ها نمی‌تواند عدم تعادل ایجاد شده را در جامعه جبران نماید.

## منابع

- پرسا، رولان (۱۳۷۴)، *آنالیز جمعیت‌شناسی*، خسرو اسدی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ اول، تابستان.
- طاهری‌پور، فرزاد و مسعود انجم‌شعاع (۱۳۷۲)، «گسترش آموزش عالی و توسعه جمعیت دانشجویی»، *مجله برنامه و توسعه*، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه، دوره ۲، شماره ۵، بهار.
- مرکز آمار ایران، *سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵*.
- نیلی، مسعود و حسن درگاهی (۱۳۷۷)، «چشم‌انداز تحولات اقتصادی ایران و چالش‌های اصلی توسعه کشور در افق آینده»، *مجله برنامه و توسعه*، سال سوم، شماره ۳۴ و ۳۵، بهمن و اسفند.
- Edlund, L. (1999), "Son Preference, Sex Ratios and Marriage Patterns", *Journal of Political Economy*, Vol. 107, No. 6, Part 1, December, pp. 1275-1304.
- Muhsam, Helmut V. (1974), "The Marriage Squeeze", *Demography*, Vol. 11, No. 2, May, pp. 291-299.
- Schoen, R. (1983), "Measuring the Tightness of Marriage Squeeze", *Demography*, Vol. 20, No. 1, February, pp. 61-78.
- Vijayendra, R. (1993), "The Rising Price of Husbands : A Hedonic Analysis of Dowry Increases in Rural India", *Journal of Political Economy*, Vol. 101, No. 4, August, pp. 666-677.